

فاکتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان*

The Factors that Led to the Taliban's Return to Power and the Future of Afghanistan

احمدخان دولتیاریار**

چکیده

بعد از ۲۰ سال جنگ طالبان، کابل را تصرف و پیروزی خود را اعلان نمودند. عدم تاسیس یک اردوی قوی با مورال بلند، تلفات جانی و مصارف اقتصادی جنگ، قطع نکردن منابع مالی طالبان و خطاهای آمریکا در جریان جنگ، فساد و قوم پرستی در حکومت افغانستان، شکل گیری حکومت های فرا قانونی، تکتیک جنگی و تغییر در سیاست قومی طالبان، حمایت کشورهای منطقه از این گروه تحت عنوان مجادله با داعش، تعقیب "سیاست مماشات" آمریکا در برابر طالبان، فاکتورهای اساسی به قدرت رسیدن مجدد این گروه میباشد. با کسب مشروعیت بین المللی حکومت طالبان و تداوم کمک های جامعه جهانی به افغانستان تامین امنیت و صلح نسبی در این کشور امکان پذیر است.

واژه های کلیدی: آمریکا، افغانستان، طالبان، داعش، جامعه بین الملل.

Abstract

After 20 years of war, the Taliban announced that they were the winners by capturing Kabul. There are significant factors that helped the Taliban to be a hegemon in Afghanistan, such as lack of an influential Afghan army, the economic cost of the war, continuing financial support to the Taliban, the mistakes made by the USA during the war, corruption, and ethnic diversity of Afghanistan government, change in the war and ethnic politics of Taliban, establish illegal governments by cheating in the elections, support of global and regional states to Taliban against ISIS, appeasement policy of the USA towards Taliban and Taliban's commitment to distancing with al-Qaeda. If international society recognizes the Taliban and continues to give foreign aid to Afghanistan, there would be relative peace and stability in the country.

Keywords: USA, Afghanistan, Taliban, ISIS, International Society.

* تاریخ دریافت مقاله: ۰۹،۱۱،۲۰۲۰ - تاریخ پذیرش نهایی: ۳۰،۱۱،۲۰۲۰

** دانشجوی مقطع دکترا در دانشگاه انقره-رشته روابطه بین الملل و همچنان کارشناس مسائل افغانستان - پاکستان در مرکز پژوهشهای بحران و سیاست انقره، ایمیل آدرس: ahmaddawlatyari@gamil.com

او ار سی ای دی: ۰۰۰۲-۱۱۷۶-۰۰۰۲-۷۱۳۰

مقدمه

در سال ۱۹۹۲ مجاهدین، حکومت کمونیستی داکتر نجیب الله را سرنگون ساختند و به قدرت رسیدند. عدم وحدت بین مجاهدین و ضعف آن‌ها در جهت تقسیم قدرت و مدیریت کشور، افغانستان را به جنگ داخلی کشانید. در چنین شرایطی حرکت طالبان، به هدف پایان دادن به جنگ داخلی و تاسیس یک "نظام ناب اسلامی" بوجود آمد. مردم خسته از جنگ و بی‌نظمی طالبان را حمایت کردند و در نتیجه حمایت مردم این گروه در مدت کم کابل را در سال ۱۹۹۶ تصرف کردند و نام کشور را "امارات اسلامی افغانستان" گذاشتند. حرکت طالبان بین سالهای ۱۹۹۶-۲۰۰۱ در افغانستان حکومت کردند. حمایت طالبان از گروه‌های افراطی، تفسیر محدود آنها از اسلام و تطبیق قوانین سختگیرانه در حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منجر به عدم شناسایی آنها از طرف جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه شد و این وضعیت باعث فقر، بیکاری و مهاجرت بیشتر افغان‌ها گردید.

بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر ایالات متحده آمریکا به دلیل حمایت حکومت طالبان از القاعده و رهبرش اسامه بن لادن تحت عنوان دفاع مشروع "عملیات آزادی پایدار" را علیه القاعده و طالبان در ۷ اکتوبر آغاز نمود و در نتیجه آن رژیم طالبانی سقوط کرد. به حمایت ایالات متحده آمریکا و جامعه جهانی "کنفرانس بن" دایر گردید و در این کنفرانس اساس نظم پسا طالبان گذاشته شد. در چهارچوب تصامیم کنفرانس بن، اداره موقت (برای شش ماه) شکل گرفت و حامد کرزی به عنوان رییس اداره موقت تعیین گردید. وظیفه اساسی اداره موقت ایجاد نظم سیاسی و حقوقی در افغانستان بود. برای این هدف لوی جرگه-مجلس موسسان خواسته شد. لوی جرگه اداره موقت را به اداره انتقالی (برای ۱۸ ماه) تغییر داد و در جلسه بعدی قانون اساسی افغانستان را تصویب کرد. در محور قانون اساسی انتخابات برگزار شد و حامد کرزی بر اساس رای مردم رییس جمهور کشور انتخاب گردید و پارلمان کشور شروع به فعالیت کرد. همچنان قوه قضائیه، اردو و پولیس شکل گرفت و در نتیجه یک نظم سیاسی-حقوقی نسبی استوار بر قانون اساسی در افغانستان بوجود آمد.

ایالات متحده آمریکا به رهبری بوش پسر طالبان را یک گروه تروریستی عنوان کرد و در کنفرانس بن براین گروه اجازه اشتراک نداد. به دلیل تروریست خواندن دروازه مذاکره را با طالبان بست و با اسیران آنها در چوکات قوانین جنگ برخورد صورت نگرفت. این عملکرد آمریکا منجر به انتقاد مردم و سازمانهای حقوق بشری شد. طالب‌ها با سقوط رژیم شان خاموش نماندند و با استفاده از تکتیک‌های مختلف به جنگ خود ادامه دادند. زمانیکه باراک اوباما در آمریکا به قدرت رسید استراتژی آمریکا را در قبال طالبان تغییر داد. در این زمینه او با تصمیم گرفت تا سال ۲۰۱۴ قوای ایالات متحده آمریکا را از افغانستان خارج کند.¹ همچنان در بخش تبادل اسیران با طالبان مذاکره کرد و برای طالب‌ها اجازه داد تا در دوحه "دفتر سیاسی" بگشایند.

زمانیکه دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به قدرت رسید در جستجوی یک راه حل برای خروج عساکر آمریکائی شد. در این زمینه کابینه ترامپ تصمیم گرفت بدون قید و شرط با طالبان وارد مذاکره شود. آمریکا برای اثبات جدیت خود زلی خلیلزاد (پشتون تبار افغانی الاصل) را به عنوان مذاکره کننده ارشد و نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در پروسه صلح افغانستان تعیین کرد. خلیلزاد برای تسریع مذاکره صلح از پاکستان خواستار رهائی ملا عبدالغنی برادر گردید. آمریکا بعد از دو سال مذاکره توافق نامه دوحه را در ۲۹ فروری سال ۲۰۲۰ در غیاب دولت افغانستان با طالبان امضا نمود. در توافق نامه دوحه طالبان تعهد کردند به شمول القاعده با گروه‌های تروریستی قطع رابطه کنند. در برابر آن آمریکا تعهد کرد که در ظرف ۱۴ ماه از افغانستان خارج شود و عملیات‌های هوایی علیه این گروه را توقف دهد. در جریان ۱۴ ماه مذاکرات بین‌افغانی آغاز و در نتیجه مذاکرات "دولت اسلامی جدید" در افغانستان شکل بگیرد.

1 Mehmet Seyfettin Erol-Oktay Bingöl, "Afganistan'da Geçiş Safhası ve 2014 Sonrası Öngörüler", Gazi Akademik Bakış, 5(10), 2012, s. 177.

در سال ۲۰۲۱ جوبایدن به عنوان ریس دولت آمریکا انتخاب گردید و در سخنرانی که در اول می (تاریخ ختم خروج در چهارچوب توافق نامه دوحه) انجام داد تعهد کرد بر توافق نامه دوحه صادق میماند و تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ تمام نیروهای خود را از افغانستان خارج میکند. بعد از این سخنرانی طالبان به جای مذاکره با حکومت افغانستان به حملات خود شدت بخشیدند. در نتیجه حملات گروه طالبان کنترل اکثر مناطق کشور را بدست گرفت و با فرار رئیس جمهور سابق افغانستان محمد اشرف غنی از کشور، طالبان در حضور نیروهای آمریکای در افغانستان وارد کابل شد و یک بار دیگر قدرت را بدست گرفتند.

با به قدرت رسیدن مجدد طالبان سوال های مختلفی مطرح میشود؛ از جمله اینکه چرا حکومت که از حمایت جامعه جهانی و آمریکا بر خوردار بود نتوانست در برابر این گروه مقاومت کند و فرو پاشید؟ کدام عوامل باعث به قدرت رسیدن مجدد این گروه شد؟ با به قدرت رسیدن مجدد طالبان چه آینده در انتظار افغانستان است؟ در این تحقیق کوشش میشود به این سوالات پاسخ ارائه گردد.

عدم تاسیس یک اردوی قوی با مورال بلند

بعد از سقوط رژیم طالبان با حمایت آمریکا و جامعه بین المللی اساس اردوی ملی جدید افغانستان گذاشته شد. ایالات متحده به دلیل حضور نیروهای بین المللی در افغانستان از یک طرف به جای سیستم عسکری جبری "سیستم عسکری در بدل پول" را تطبیق کرد و از طرف دیگر مانع تاسیس یک اردوی قوی در افغانستان شد. نظر به پلان اول ایالات متحده آمریکا تعداد اردو و نیروهای امنیتی افغانستان نباید از ۷۰ هزار عبور کند. همچنان برای نیروهای افغانستان سلاح های مدرن و طیاره های جنگی در دسترس شان قرار ندادند.^۲ تامین امنیت در کشور کوهستانی نظیر افغانستان با این کمیت و کیفیت اردو غیر ممکن بود. زمانیکه باراک اوباما رئیس دولت وقت آمریکا شد وعده داد تا سال ۲۰۱۴ تمام نیروهای خود را از افغانستان خارج کند. اوباما کوشش کرد، خلای نظامی که با خروج عساکر خارجی در افغانستان بوجود می آمد از دو طریق جبران کند. در قدم نخست تصمیم گرفت تا تعداد عساکر نیروهای امنیتی افغانستان افزایش یابد. در این بخش تصمیم اتخاذ گردید، تا تعداد اردوی افغانستان به ۳۰۰ هزار ارتقاء یابند. این نیروها در پهلوی آموزش نظامی باید به سلاح های قوی و مدرن دسترسی داشته باشند.

پلان بعدی آمریکا دکترین پترویس بود. جنرال آمریکای دیوید پترویس برای پرکردن خلای نظامی که بعد از خروج عساکر خارجی بوجود می آمد طرح را مطرح کرد که منطق آن "برای تامین امنیت دهات، دهاتی باید مسلح شود!". در چهار چوب این طرح آن عده از کسانی که در برابر ارتش سرخ شوری و در برابر طالبان (۱۹۹۴-۲۰۰۱) جنگیدند و در نتیجه پروسه دایاک و دی دی آر خلع سلاح شده بودند دوباره مسلح گردند.^۳

ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۴ به جنگ زمینی خود علیه طالبان پایان داد و نقش خود را فقط در حوزه آموزش، تجهیز و حمایت هوایی از نیروهای افغانستان خلاصه کرد. در محور این تصمیم ایالات متحده و ناتو تعداد عساکر خود را از ۱۴۰ هزار به ۱۴ هزار تقلیل دادند. با این تصمیم ایالات متحده آمریکا جنگ زمینی را تماما بر شانه های نیروهای افغان واگذار کردند.^۴ از اینکه تمام جنگ زمینی بر شانه های نیروهای افغانستان انداخته شد، دولت افغانستان تصمیم گرفت تا تعداد نیروهای محلی (اربکی) را افزایش دهد. در چهارچوب "طرح ایجاد نیروهای محلی" به این نیروها آموزش نظامی داده و باید در زیرچتر وزارت داخله فعالیت نمایند. اما دولت افغانستان نتوانست قومندان های محلی را کنترل

۲ محمد اکرام اندیشمند، آمریکا در افغانستان (Amrika Der Afganistan)، انتشارات میوند، کابل ۲۰۰۳، صفحه ۱۰۹-۱۱۰.
۳ «از اربکی تا پولیس محلی» (Az Arbaki Ta Polis Muhalli)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، <https://im/fudg.im/> (تاریخ برداشت: ۲۰۲۱، ۲۱).
۴ نودز شفیعی، «تین عوامل موثر بر اتخاذ استراتژی دولت ترامپ نسبت به افغانستان» (Tebeyin Avamili Muasir Ber tikhazi stirateji Devlet-i Trump Nisbat Ba (Afganistan))، فصلنامه پژوهشهای روابط بین الملل، شماره بیست و چهارم، ۲۰۱۶، صفحه ۱۰۹.

فاکتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان

کند. قومندان های محلی به دلیل کمبود معاش و تجهیزات جنگی از مردم پول اتخاذ کردند و در بعضی موارد به آبرو و عزت مردم تجاوز نمودند. رفتارهای خشن نیروهای محلی با مردم سبب ایجاد فاصله بین مردم و دولت گردیده و در نتیجه مردم به طالبان رجوع کردند. البته این نکته را نیز باید گفت در بعضی مناطق نیروهای محلی دست آوردهای هم داشتند.

نظر به اطلاعات دولت افغانستان بین سال های ۲۰۱۸-۲۰۱۴ تقریباً ۴۵ هزار نیروی افغانستان در جنگ علیه طالبان جان های خود را از دست داده و هزارها نفر صفت نیروهای امنیتی را ترک کردند.^۵ همچنان منابع مختلف، مقامات دولت افغانستان و آمریکایی را مبنی بر تعداد نیروهای افغان به دروغگوئی متهم میکنند. دولت افغانستان و مقامات آمریکای رقم نیروهای افغان را ۳۵۰ هزار گزارش میدادند. این در حالیست که این رقم وجود خارجی نداشت و مقامات افغان به دلیل گرفتن پول از آمریکا این تعداد را لیست میدادند. به قول بعضی مقامات امنیتی افغانستان، تعداد نیروهای افغان از ۱۵۰ هزار عسکر زیاد نبودند، از این میان ممکن ۲۰٪ دارای اراده جنگ بوده باشند. بعضی مقامات افغان از جمله خالد پاینده وزیر مالیه حکومت اشرف غنی، تعداد اردوی افغانستان را از صد هزار بیش نمیدانست. او میگوید مقامات افغان به دلیل گرفتن پول از آمریکا این تعداد را ۳۵۰ هزار گزارش میدادند.^۶

در پهلوی کمی تعداد نیروهای امنیتی در جنگ علیه طالبان از مورال قوی نیز بر خوردار نبودند. اکثر کسانی که در صف نیروهای امنیتی افغانستان بودند به جای میهن دوستی، عسکری را به عنوان شغل در آمد زا مینگریستند. اما طالبان جنگ خود را "جهاد" میدانستند و جنگجویان خود را مجاهد خطاب میکردند. به عبارت دیگر جنگجویان طالبان به جای پول و امتیازات مادی برای یک عقیده و ایدئولوژی میبزمیدند. از لحاظ روحیه جنگی جنگجویان طالب نسبت به نیروهای نظامی افغانستان در موقعیت برتری قرار داشتند.^۷ فساد گسترده در میان رده های بلند حکومتی، نشان دادن نیروهای امنیتی به عنوان معاش خور، سیاست های اشتباه کرزی و غنی در برابر طالبان، سیاسی ساختن اردوی افغانستان توسط مقامات دولت و توقف دادن عملیات هوایی توسط نیروهای آمریکائی علیه این گروه بالای روحیه نظامیان افغان تاثیر منفی گذاشته بودند. فرانک فن هیپل، از مقامهای اسبق قصر سفید امریکا و استاد روابط عمومی و بین المللی در دانشگاه پرینستون این کشور، میگوید: «ارتش افغانستان بیشتر به نیروهای نظامی ناتو اعتماد داشتند تا به دولت خودشان. نیروهای نظامی ناتو حدود ۱۰ هزار سرباز خود را از افغانستان خارج کرده بودند، اما حدود ۲۰ هزار پیمانکار به عنوان تکنسینهای تعمیر، نگهداری و تأمین کننده امنیت سفارتخانهها و غیره هنوز از نیروهای هوایی افغانستان پشتیبانی می کردند. وقتی این ساختار حمایتی کنار کشیده شدند، ارتش افغانستان اعتماد به نفس خود را برای مبارزه از دست دادند.»^۸

کشور افغانستان به دلیل کوهستانی بودنش مساعد به جنگ چریکی و گورلانی است. برای تامین امنیت چنین کشوری نسبت به کمیت اردو، کیفیت اردو تاثیر بیشتر دارد. به عبارت دیگر از داشتن نیروهای معاش خور زیاد، نیروهای کم اما مجهز با سلاح های مدرن و داشتن نیروی هوایی قوی در تامین امنیت افغانستان ممد واقع میگردد. در این ۲۰ سال از یک طرف ایالات متحده آمریکا مانع اردوی قوی مجهز با سلاح های پیشرفته و مدرن گردیده از طرف دیگر با سیستم عسکری اختیاری (عسکری در بدل پول) مانع تاسیس یک اردوی با انگیزه و وطن دوست شده است. با توجه بر دلایل که مطرح گردید، اردوی افغانستان در برابر حملات طالبان مقاومت نتوانستند و در نتیجه سبب تسلط جنگجویان طالبان در افغانستان گردید.

۵ "غنی: ۴۵ هزار نیروهای افغان در ۴ سال گذشته کشته شده است" (Gani: ۴۵ هزار نیروهای افغان در ۴ سال گذشته کشته شده است)، بی بی سی، <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-47092400>، (تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱).

۶ محمد اکرام اندیشمند، "فرار و سقوط"، هشت صبح، ۱۷ میزان، <https://www.Aam.af/escape-and-fall/>، (تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱).

۷ «عامل قوی شدن دوباره طالب ها در افغانستان چیست؟»، مشرق، <https://pajhwok.com/fa/survey-most-of-the-land-is-12/02/2021/>، (تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱).

۸ محمد اکرام اندیشمند، "فرار و سقوط" (Farar ve Suqut)، هشت صبح، ۱۷ میزان، <https://www.Aam.af/escape-and-fall/>، (تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱).

تلفات جانی و هزینه های مالی جنگ

تحقیقات که انستیتوت واتسون و دانشگاه برون بالای مصارف جنگ ایالات متحده آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر انجام دادند، محاسبه کردند که ایالات متحده آمریکا ۶ تریلیون دالر مصرف کرده است. در این مدت ۸۰۰ هزار انسان جان های خود را از دست داده است. در تاریخ ایالات متحده آمریکا جنگ افغانستان طولانی ترین جنگ بوده و در این جنگ آمریکا تقریباً یک تریلیون دالر هزینه کرده است.^۹ در پهلوی مصارف گزاف اقتصادی در جنگ افغانستان ۲۴۰۰ عسکر آمریکائی کشته و ۲۰۵۸۹ عسکر زخمی گردیدند. به شمول عساکر آمریکائی و ناتو ۶۲۱۲۴ نفر نیروهای افغان و هزاران انسان بیگناه کشته شده است.^{۱۰}

در سال ۲۰۱۹ روزنامه واشنگتن پست راپور ۲۰۰۰ صفحه ای را که حاوی سند های محرمانه در باره جنگ افغانستان بود به نشر سپردند. در اسناد متذکره اکثر مقامات آمریکائی اعتراف کردند که جنگ افغانستان را باخته و دلیل باخت جنگ را ارائه اطلاعات غلط برای ملت آمریکا دانستند. منجمله دروغ های شاخدار مقامات آمریکایی در مورد مصارف اقتصادی جنگ افغانستان بوده است.^{۱۱} بعد از مدت طولانی مقامات آمریکائی و ملت آمریکا در جستجوی پاسخ به سوالات ذیل گردید: با مصرف کردن میلیاردها دالر و کشته دادن ده ها هزار عسکر در جنگ افغانستان چه دست آورد های را داشتیم؟ چگونه میشود به این جنگ نقطه پایان داد؟

زمانیکه دونالد ترامپ رئیس دولت آمریکا انتخاب گردید به ملت آمریکا تعهد سپرد تا به طولانی ترین جنگ در تاریخ آمریکا نقطه پایان بگذارد. از دید ترامپ جنگ افغانستان برای آمریکا جنگ احمقانه بود و هیچ سود اقتصادی نداشت. ترامپ یک تاجر بود و به مسائل از چشم انداز اقتصادی و تجارتي می نگریست. در یک سخنرانی خود ترامپ چنین گفت: "زمانی جنگ افغانستان اتحادیه جماهیر شوروی را به روسیه تقلیل داد، اگر به این جنگ نقطه پایان نگذاریم ایالات متحده آمریکا را به آمریکا تبدیل خواهد کرد."^{۱۲} اشاره ترامپ به مصارف اقتصادی جنگ افغانستان و اینکه چگونه جنگ افغانستان ارتش سرخ شوروی را به زانو در آورد و اتحادیه جماهیرشوروی را متلاشی ساخت.

اقتصاد یکی از پارامترهای اصلی قدرت است و در عصرکه زندگی میکنیم قدرت و اقتصاد لازم و ملزوم یکدیگر است. آمریکا به جای اینکه سود اقتصادی از جنگ افغانستان داشته باشد، میلیاردها دالر درین جنگ هزینه کردند و این مصرف باعث واکنش مالیه دهنده گان امریکایی شدند. در جنگ افغانستان تنها آمریکا و شهروندان آمریکا متضرر نگردیده، بلکه هر کشورکه در جنگ افغانستان اشتراک کرده بود متضرر شده است. بعد از خروج نیروهای آمریکائی رئیس دولت آمریکا

۹ "آمریکا در جنگ افغانستان ۶ تریلیون دالرمصرف کرده و ۸۰۰ هزار نفر جان باخته است" (Amerika Der Ceng Afganistan) Trilyon Dolar ۶ Masraf Karda ve ۸۰۰ Hazar Nafar Can Bahta Ast ۸۰۰ هزار نفر جان باخته است. رادیو آزادی، <https://da.azadiradio.com/a/html.۲۴۹۴۳۷۴/> تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱.

۱۰ «اسناد محرره مانه در باره جنگ افغانسان از عدم موفقیت ریس جمهوران آمریکا بحث میکند» (Asnad-i Mahramane Der Barahe Ceng) <https://www.bbc.com/persian/> تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱. (Afghanistan Az Adami Muaffakiyeti Reis Cumhuran-i Amrika Bahs Mekunad)

۱۱ «اسناد محرره مانه در باره جنگ افغانسان از عدم موفقیت ریس جمهوران آمریکا بحث میکند» (Asnad-i Mahramane Der Barahe Ceng) <https://www.bbc.com/persian/> تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱. (Afghanistan Az Adami Muaffakiyeti Reis Cumhuran-i Amrika Bahs Mekunad)

۱۲ «ترامپ: نبرد ۱۹ ساله افغانستان احمقانه بوده است» (Trump: Nabard) ۱۹ (Salehi Afghanistan Ahmakane Buda Ast) آرزو، <https://im.YNZQp.1۲۴> تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱.

فاکتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان

جو بایدن فاش کرد که هر هفته آمریکا در جنگ افغانستان ۳۰۰ میلیون دلار مصرف داشته است.¹³ آمریکا هم به دلیل مصرف اقتصادی جنگ و هم به دلیل نقض حقوق بشر تحت فشار شهروندان خود و افکار جهانی قرار گرفته بود. از این جهت تصمیم گرفت به جای غرق شدن در باطلاق افغانستان به انعقاد معاهده با طالبان و حتی به قدرت رسیدن مجدد طالبان راضی شود. هدف آمریکا به هر شکل ممکن، به طولانی ترین جنگ خود در افغانستان نقطه پایان بگذارد.

قطع نکردن منابع مالی طالبان و خطاهای آمریکا در جریان جنگ

آمریکا در جنگ علیه طالبان بیشتر به کشتن و دستگیر کردن جنگجویان این گروه تمرکز نموده و علیه منابع مالی آن اقدامات جدی را پی گیری ننموده است. در مورد مبارزه با منابع مالی طالبان دید آمریکا و حکومت افغانستان متفاوت بوده است. طالبان در پهلوی حمایت خارجی میلیون ها دلار از آدرس قاچاق مواد مخدر در آمد داشته و با این پول ماشین جنگی خود را گرم نگاه داشته است.¹⁴ یکی از دلایل حضور آمریکا در افغانستان مبارزه علیه کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر بود. اما افغانستان از لحاظ کشت و تولید قاچاق مواد مخدر در صدر کشورهای جهان قرار گرفته بود. اکثر منابع از کشت و تولید قاچاق مواد مخدر در حوزه حاکمیت طالبان حکایت دارند. دبیرکل سازمان ملل متحد در سخنرانی خود در اجلاس سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۹ در مورد طالبان چنین گفت: "طالبان پول که از آدرس قاچاق مواد مخدر بدست می آورند قابلیت جنگی خود را تقویت داده بود. برای ضعیف ساختن این گروه نیاز است تا کشورهای منطقه به شکل مشترک علیه تجارت مواد مخدر اقدام نمایند."¹⁵

در پهلوی تجارت مواد مخدر بعضی کشورها در برابر عدم حمله طالبان علیه عساکر شان به این گروه باج داده است. اطلاعات که ویکلیکس نشر کرده بود، دولت ایتالیا در برابر عدم حمله طالبان بالای نیروهایش به این گروه پول داده است.¹⁶ همچنان طالبان در حوزه حاکمیت شان از مردم ذکات و عشر جمع میکردند و از عبور و مرور موثرها تکس میگرفتند. در پهلوی این ها طالبان با استفاده از معادن افغانستان درآمد هنگفتی در اختیار داشتند. از جنگ اتحادیه جماهیرشوری و مجاهدین سلاح های زیادی در افغانستان موجود بود و همچنان دولت افغانستان مرزهای خود را تحت کنترل نداشتند. از این جهت افغانستان به مرکز قاچاق اسلحه تبدیل گردیده بود. با موجودیت پول تدارک هر نوع سلاح در افغانستان کار ساده ای شده بود و طالبان از عواید خود سلاح میخرید و حوزه حاکمیت خود را تقویت مینمودند.

در جریان جنگ، آمریکا خطاهای را مرتکب شد که طالبان ازین مجرا علیه آمریکا و حکومت مورد حمایتش به عنوان خوراک تبلیغاتی استفاده کرده سربازگیری میکردند. از جمله این خطاها کشتن افراد بی گناه، مداخله به حریم شخصی مردم و بی احترامی عساکر آمریکا به مقدسات مردم افغانستان بودند (گر چند آمریکا بعداً متوجه خطاهای خود شده و کوشش کرد تکرار نشود). مثلاً در سال ۲۰۱۲ عساکر آمریکا در پایگاه هوایی بگرام اوراق قران کریم را سوختاندند. بعد از این حادثه مردم در سرتاسر کشور علیه آمریکا تظاهرات راه انداختند که در نتیجه این تظاهرات ۳۵ فرد جان خود را از دست داده بودند. رئیس دولت آن وقت آمریکا بارک اوباما از مردم و دولت افغانستان عذر خواهی کرده بود. چنین حوادث به دفعات تکرار شدند. همچنان عساکر آمریکا در جریان جنگ خانم های افغان را تلاشی میکردند، این عمل در فرهنگ افغانستان یک عمل زشت محسوب میشود.¹⁷ در استراتژی جنگی آمریکا برای کشتن یک جنگجوی طالب

۱۳ «بایدن: هزینه جنگ آمریکا در افغانستان روزانه میلیون دلار بود» (Milyon Dolar Bud ۳۰۰ Biden: Hazinayi Cengi Amerika Der Afganistan Ruzane)، سروپوش، <https://www.sarpoosh.com/afghanistanjournal/afghanistan-news/afghanistan-news14006770>، (تاریخ دسترسی: ۲۰۲۱، ۲۹، ۱۰، ۲۰۲۱).

۱۴ رنگین دادفر سپینا، سیاست در افغانستان: روایتی از درون (Siyaset Der Afganistan; Ruvayet-i Az Darun)، انتشارات عازم، کابل ۲۰۱۷، صفحه ۵۳۰، ۵۳۰.

۱۵ گوتریس: «طالبان با استفاده از پول قاچاق مواد مخدر به جنگ خود ادامه میدهند» (Taliban Ba Istifade Az Pul Mavadi Muhadir Ba Cang Hud dame Medihad)، رادیو آزادی، <https://da.azadiradio.com/a/۲۰۲۱۰۲۰۲۱/۲۰۲۱۰۲۰۲۱.html>، (تاریخ دسترسی: ۲۰۲۱، ۲۰، ۲۰۲۱).

۱۶ «۲۰۰ دلیل عدم موفقیت آمریکا و طالبان در افغانستان» (Bist Dalili Adami Muafakiyeti Amerika ve Taliban Der Afganistan)، مشعل، <https://im/SNnuHi>، (تاریخ دسترسی: ۲۰۲۱، ۱۰، ۲۰۲۱).

۱۷ فضل احمد پورگیت، «۲۰۱۴ Afganistan'da» Beklenirken: Taliban Örgütü ve Yeni Bir Siyasal Sürece Dogru Yeni Gruplasmalar (افغانستان در انتظار ۲۰۱۴: سازمان طالبان و گروه بندی های جدید به سوی یک روند سیاسی جدید)، مرکز مطالعات خاورمیانه، شماره پنجاه و دو، جلد پنجم، ص. ۹۸.

و القاعد در حالت اضطرار کشتن ۵ فرد ملکی مباح بود.¹⁸ آمریکا به کرات به بهانه تروریستان افراد ملکی را هدف قرارداده است. گاهاً نیروهای امنیتی افغانستان را نیز مورد هدف قرار داده اند. کشته شدن افراد ملکی در جریان جنگ بارها، خشم مردم و مقامات دولت افغانستان را در پی داشته است. طالبان خطاهای عساکر آمریکا را برای تغییر ذهنیت مردم افغانستان استفاده کردند و در نتیجه در مورد مشروعیت جنگ خود علیه آمریکا و حکومت مورد حمایتش بخش از مردم افغانستان را اقناع کردند. طالبان در نتیجه پروپاگندهایشان، حمایت مردم روستا نشین افغانستان را بدست آوردند و با چنین حمایت ها با گذشت هر روز موضع شان را قوی میساختند.

فساد و تعصبات قومی در حکومت افغانستان

حکومت که به حمایت جامعه بین الملل و آمریکا شکل گرفت، در پهلوی عدم تامین امنیت، خدمات صحی، تعلیمی و اشتغال برای مردم نه تنها با فساد در نهاد های دولتی مبارزه نکردند، بل خودش مایه فساد بودند. باری رئیس جمهور سابق افغانستان حامد کرزی اظهار داشت که: "اگر رشوت هم میگیرید پول را در بیرون انتقال ندهید."¹⁹ به قول سعدی "اگر از باغ رعیت ملک خورد سیبی- بر آورند غلامان او درخت از بیخ" وقتی رئیس دولت یک کشور رشوت را یک عمل عادی جلو دهد از زیر دستان او چی توقع باید داشت! از این جهت کمک های که برای مردم افغانستان صورت گرفت به شکل درست توزیع و مصرف نشدند. مقامات دولتی با همکاری دونهای خارجی پول های که برای مردم فقیر افغانستان کمک میشدند، به خارج انتقال داده و در بانگ های خارجی در حساب های شان می افزودند. از لحاظ فساد افغانستان در رده اول جدول کشورهای فاسد جهان جاگزیں شده بود.

فساد در نهاد های عدلی و قضائی کشور اوج گرفته بود. شهروندان افغانستان از فساد در نهادهای عدلی و قضائی دعوی خود را در محاکم شرعی طالبان حل و فصل میکردند. مثلاً یک دعوی حقوقی که یک لک افغانی ارزش مادی داشت. فرد برای احقاق حقوق خود به همان اندازه رشوت میپرداختند با آنهم به حقوق خود میرسیدند. در بعضی دعوا ها محکمه به نفع صاحب حق هم اگر حکمی را صادر میکردند، مسئولین حکومت توانائی اجرایی و استرداد حق را نداشتند. طالبان چنین دعوی را به شکل سریع حل و فصل و در اسرع وقت حکم محکمه شان را تطبیق میکردند.

در پهلوی فساد سطح بیکاری بالای ۵۰٪ و سطح سواد (خواند و نوشتن) زیر ۴۰٪ قرار داشتند.²⁰ در پهلوی کمک میلیاردها دالر نصف مردم افغانستان زیر خط فقر زندگی میکردند و اکثر بیکاران را جوانان تشکیل میدادند. در افغانستان قبل از اینکه زراعت میکانیزه گردد در دانشگاههای افغانستان درس های مدرن زراعتی تدریس میشد. جوانان به مجرد فراغت به دلیل نبود ابزارهای تولید مدرن بیکار مانده بودند. همچنان قوم پرستی در ادارات دولتی آن وقت به اوج اش رسیده بود. هرگاه رئیس یک نهاد از یک قوم میبود کوشش میکرد افراد را از قوم خود استخدام نماید. یک تعداد جوانان که به دلیل تباری خود با وجود گرفتن فمات کافی استخدام نمیشدند، از روی عقده و انتقام گیری به طالبان می پیوستند.

زمانیکه دولت خدمات اساسی را برای ملت فراهم کرده نتواند، کتله ای بنام رهبر و مقامات دولتی پول های کمک شده را به خارج انتقال دهند و به متملقین خود توزیع نمایند، درچنین وضعیت مردم به حکومت سایه یعنی "طالبان" روی می آوردند. به عبارت دیگر زمانیکه کمک های خارجی به دلیل فساد حاکمان افغانستان جهت فقرزدایی، زمینه

۱۸ رنگین دادفر سپینا، همان اثر، ص. ۵۷۰.

۱۹ مهرباب الدین مشید، «مسئولیت گریزی های رئیس جمهور در جایگاه بابای ملت» (<http://www.ariaye.com/dari/>)، Masoliyet Grizi HayiReyis Cumhur Der Caygahi Babayi Millet).
۲۰ "بحران گرسنگی: شمار بیکاران از ۹ میلیون به ۱۸ میلیون رسیده است" (Milyon Raside Ast ۱۸ Milyon Ba ۹ Buhrani Gurusnagi: imari Bekaran Az) (تاریخ دسترسی: ۲۹، ۱۱، ۲۰۲۱).

۲۰ "بحران گرسنگی: شمار بیکاران از ۹ میلیون به ۱۸ میلیون رسیده است" (<https://www.million-to-9-hunger-crisis-number-of-unemployed-has-increased-from/102917/etilaatroz.com>) (تاریخ دسترسی: ۲۹، ۱۰، ۲۰۲۱).

فاکتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان

اشتغال زایی و تعلیم برای مردم و جوانان افغانستان مصرف نگرند، مردم آگاهانه و یا هم نا آگاهانه بیشتر از روی عقده گشائی به گروه طالبان روی می آوردند. فساد در دستگاه حکومت افغانستان فاکتور اصلی به قدرت رسیدن طالبان شده بود. فساد مثل موربانه دولت افغانستان را ضعیف ساخت و منجر به سقوط نظام گردید.

عدم رعایت واقعیت های عینی افغانستان در تاسیس نظام و شکل گیری حکومت های فرا قانونی

نظم حقوقی و سیاسی که در کنفرانس بن، در محور قانون اساسی افغانستان شکل گرفت با واقعیت های عینی جامعه افغانستان همخوانی آن چنانی نداشت. بدین لحاظ به جای حل مشکل افغانستان منجر به بحران سیاسی در کشور شد. بر اساس قانون اساسی افغانستان رئیس جمهور به عنوان سر قومندان اعلی قوای مسلح و رئیس دولت صلاحیت های را در حوزه قوه اجرائیه، مقننه و قضائیه دارا میباشد. اما معاونین رئیس جمهور که مثل رئیس جمهور توسط رای مردم انتخاب میشدند، هیچ نوع صلاحیتی تعریف شده در قانون نداشتند. در پهلوی معاونین رئیس جمهور نظام افغانستان مانع ظهور احزاب قدرت مند میگردد. در نتیجه پارلمان در نبود احزاب قدرتمند در برابر قوه مجریه قدرت بازدارنده گی ایجاد کرده نمیتوانست. به عبارت دیگر پارلمان که چشم و گوش نظام باید میبود، به جای جلوگیری از فساد حکومت خودش در فساد با حکومت شریک بودند.

افغانستان یک کشور کثیرالقومی است که هیچ قومی در این کشور اکثریت مطلق را تشکیل نمیدهد. به عبارت دیگر بر اساس پروسه های دموکراتیک هیچ قومی نمیتواند به تنهایی قدرت را بدست بگیرد. از این جهت مجبور بودند با رهبران و احزاب دیگر اقوام ائتلاف های را تشکیل دهند. نظم که نماینده و سفیر وقت آمریکا زلی خلیلزاد در افغانستان در محور قانون اساسی افغانستان هسته گزاری کرده بودند، رئیس دولت باید پشتون و معاونینش از دیگر اقوام باشند. اما سمبولیک بودن نقش معاونین و عدم تفویض صلاحیت رئیس دولت به معاونین منجر به بی ثباتی سیاسی شده بود. به دلیل اینکه هر معاون در پهلوی انتخاب شدن توسط مردم از لحاظ سیاسی یک قوم را تمثیل میکردند و این وضعیت باعث بحران سیاسی در کشور شده بود. مثلاً رهبر حزب جنبش مارشال عبدالرشید دوستم در انتخابات ۲۰۱۴ در پیروزی محمد اشرف غنی رول عمده را بازی کرده بود. اما اشرف غنی به دوستم صلاحیتی کافی در پیشبرد امور حکومتداری تفویض نکرد و این رفتار غنی منجر به دلسردی طرفداران دوستم از حکومت شدند. خلاصه نظام سیاسی پسا طالبانی نتوانست تمام گروه های قومی و سیاسی را زیر چتر حکومت جمع کنند و بعضی گروه های قومی و سیاسی زمانی که شعاع وجودی شان را در حکومت نمیدیدند، درصدد تخریب حکومت می برآمدند. به دلیل ضعف وعدم پختگی فرهنگ سیاسی در افغانستان حتی این تخریب به سرحد حمایت از طالبان منجر میگردد.

یکی از موارد دیگری که مشروعیت حکومت افغانستان را تضعیف کرده بود برگزاری انتخابات توأم با تقلب که در نتیجه باعث ایجاد حکومت های فرا قانونی شد. در سال ۲۰۰۹ انتخابات صورت گرفت و کمیسیون مستقل انتخابات حامد کرزی را برنده انتخابات اعلان نمود. اما رقیب اصلی حامد کرزی داکتر عبدالله عبدالله نتایج انتخابات را نپذیرفته و با فشار جامعه جهانی کمیسیون انتخابات تقلب در انتخابات را پذیرفت و از برگزاری مجدد انتخابات خبر داد. داکتر عبدالله به دلیل عدم استعفای رئیس کمیسیون، انتخابات را تحریم کرد (بعضی منابع در بدل پول از کناره گیری داکتر عبدالله به نفع حامد کرزی حکایت دارند) و با حمایت جامعه جهانی کمیسیون انتخابات کرزی را برنده انتخابات اعلان نمود.²¹ از اینکه یک کاندید پیشتاز در دور دوم اشتراک نکند سرنوشت انتخابات چه میشود قانون اساسی این مورد را

۲۱ «عبدالله در دور دوم انتخابات شرکت نمیکند؛ برگزاری دور دوم یا حکومت موقت؟» (Abdullah Der Davr-i Duvum Intihabat Sirkat Namikunad; Barguzari Der Duvum ya) (تاریخ دسترسی: ۲۹، ۱۱، ۲۰۲۱). [im/dDKHSOJ.Hukumati Muakkat](https://www.im/dDKHSOJ.Hukumati Muakkat), DW, <https://www.im/dDKHSOJ.Hukumati Muakkat>

پیش بینی نکرده بود. اگر چند با حمایت بیرونی کمیسیون انتخابات قانون اساسی را تفسیر کرد و کرسی را رئیس جمهور اعلان، اما عقب نشینی کمیسیون انتخابات بر اساس فشار خارجی مشروعیت حکومت کرسی را به چالش کشیدند.

در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ در دور اول هیچ نامزدی آرای پنجاه به علاوه یک را کسب کرده نتوانست. به اساس حکم قانون اساسی انتخابات به دور دوم برگزار گردید. در دور دوم انتخابات دوکاندید پیشتاز محمد اشرف غنی احمدزی و عبدالله عبدالله باهم رقابت کردند. کمیسیون مستقل انتخابات در نتایج ابتدائی شان، محمد اشرف غنی را برنده انتخابات اعلان کردند. عبدالله عبدالله با توجه بر تقلب گسترده انتخابات نتیجه انتخابات را نپذیرفت. کشور در سرحد جنگ داخلی پیش رفته بود که حامی اصلی دولت افغانستان یعنی آمریکا وار عمل گردید. جان کری وزیر خارجه آمریکا با میانجیگری خود بین دو کاندید به بحران سیاسی موقتا نقطه پایان گذاشت. کری رای مردم و احکام قانون اساسی را کنار گذاشته و با استفاده از قدرت و نفوذ آمریکا "حکومت و حدت ملی" را برای مردم افغانستان تحمیل کرد.²²

بر اساس طرح جان کری محمد اشرف غنی رئیس جمهور و عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه کشورگماشته شدند. وزارت ها بین دو کاندید به شکل مساوی تقسیم شدند. از اینکه هم غنی و عبدالله از صلاحیت اجرائی برخوردار بودند و در تاسیس حکومت وحدت ملی قانون اساسی افغانستان کنار گذاشته شده، در اختلافات سیاسی غنی به دلیل حمایت قانون اساسی از صلاحیت های رئیس جمهور به قانون اساسی و عبدالله عبدالله به متن توافق سیاسی استناد میکردند.²³ در انتخابات ۲۰۱۹ نیز عین سناریو تکرار و حکومت بر اساس رای مردم نه بل بر اساس فشار و میانجیگری آمریکا شکل گرفت. بر مبنای توافق که صورت گرفت محمد اشرف غنی رئیس دولت و عبدالله عبدالله رئیس شورای عالی مصالحه ملی شد.²⁴

از اینکه حکومت و حدت ملی بر خلاف قانون اساسی و اراده مردم با فشار آمریکا تاسیس شده بود مشروعیت حقوقی نداشت. از طرف دیگر حکومت وحدت ملی وعده های که برای مردم داده بود عملی نکرد و با سیاسی ساختن نهادهای امنیتی (وزارت های سکتور امنیتی از دو فرد دستور میگرفتند. به دلیل اینکه یک وزیر از آدرس یک فرد و وزیر دیگر از آدرس فرد دیگر تعیین میشدند) تیشه را به ریشه حکومت کوبیدند. طالبان به دلیل که حکومت بر اساس رای مردم نه بلکه توسط آمریکا تاسیس شده بود، مشروعیت حکومت را مورد سوال قرار داده و با این حکومت مذاکره جدی نکردند. فقدان مشروعیت حقوقی و سیاسی حکومت یکی از عوامل اساسی دیگری به قدرت رسیدن مجدد طالبان است.

تکتیک های جنگی طالبان و تغییر در سیاست قومی آنها

با آنکه رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ سقوط کرد اما این گروه با گفتار و فعالیت هایشان حضور خود را در افغانستان زنده نگه داشتند. در این بخش با توجه بر کوهستانی بودن جغرافیای افغانستان گروه طالبان به جنگ گوریلانی و چریکی

²² "ساختار اصلی حکومت وحدت ملی چگونه خواهد بود" (۱۲۴)، DW، <https://124>، (تاریخ دسترسی: ۲۹/۱۱/۲۰۲۱).

²³ "اختلافات میان غنی و عبدالله: دولت وحدت ملی به بن بست رسیده است؟" (Ihtilafat Miyān Gani ve Abdullah; Devlet-i Vahdati Milli Ba Bunbast Rasida Ast)، بی بی سی، <https://www.bbc.com/persian/afghanistan>، (تاریخ دسترسی: ۲۹/۱۱/۲۰۲۱).

²⁴ "عبدالله و غنی سرانجام بر سر تشکیل دولت در افغانستان به توافق رسیدند" (Abdullah ve Gani Sarancam Ber Sar Teskil-i Devlet Der Afganistan Ba Toafuk Rasiden)، AA، <https://124>، (تاریخ دسترسی: ۲۹/۱۱/۲۰۲۱).

فاکتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان

روی آوردند و از شیوه "بزن و فرار کن" استفاده کردند. طالبان در محور این تکتیک جنگی از ماندن مابین کنار جاده، ترور مقامات دولتی، انجام دادن حملات انتحاری، جابجا ساختن افراد وابسته به گروه شان در سیستم حکومت افغانستان و انجام عملیات توسط این افراد استفاده می کردند. در نتیجه این حملات طالبان تلفات زیادی را به نیروهای خارجی و افغان وارد کرده بود. طالب ها در فصل بهار، تابستان و خزان علیه نیروهای امنیتی افغان و خارجی جنگ های شان را شدت میبخشیدند و در فصل زمستان به سربازگیری، آموزش و تجهیز نیروهای خود میپرداختند.²⁵

بعد از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ به حمایت و فشار ایالات متحده آمریکا و جامعه جهانی رژیم افغانستان بر پایه ارزش های لیبرال دموکراسی شکل گرفت. انتقال قدرت بر اساس مولفه های دموکراسی یعنی مردم سالاری، آزادی بیان و رسانه ها، حقوق بشر و حقوق زن، فعالیت احزاب سیاسی و نهادهای مدنی از جمله این ارزش ها میباشند. اما طالبان بدون اینکه اعتقادی داشته باشند از این ارزش ها برای رسیدن به اهداف شان استفاده ابزاری کردند. طالب با استفاده از آزادی رسانه از یک جهت عملیات خود را به عنوان نمایش قدرت به سمع مردم افغانسان و جهانیان رساندند و از طرف دیگر جنایات که نیروهای خارجی در جریان عملیات شان علیه مردم بیگناه مرتکب میشدند برای چالش کشیدن مشروعیت حضور نیروهای خارجی استفاده میکردند.

از لحاظ گفتار طالبان حضور نیروهای خارجی را اشغال قلمداد کرده و جنگ خود علیه نیروهای خارجی و دولت مورد حمایت آمریکا را "جهاد" اعلان مینمودند. بخشی از مردم افغانستان تحت تاثیر تبلیغات این گروه قرار گرفتند و به حمایت از آنها پرداختند. طالبان در هر مذاکره و پلاتفرم خروج نیروهای خارجی و تاسیس یک "دولت ناب اسلامی" را خطوط قرمز خود قلمداد نمودند.²⁶ از دید طالبان حکومت افغانستان توانائی تصمیم گیری را نداشته و از این جهت آنها هیچ وقت با دولت افغانستان مذاکره جدی نکردند.

در پهلوی تکتیک های جنگی، طالبان برای گسترش جنگ در سرتاسر کشور سیاست قومی خود را تغییر دادند. در آغاز طالبان در افکار عامه طوری وانمود میشدند که طالبان متشکل از قوم پشتون است. به دلیل اینکه تمام رهبران و قومندانان جنگی این گروه را پشتون ها تشکیل میدادند. بعداً بخاطر پخش جنگ در سرتاسر کشور و انتقال جنگ از جنوب به شمال مصمم شدند تا از مردم محل قومندانان جنگ و در سطح رهبری از سایر اقوام نیز افرادی را استخدام کنند. با استفاده از این تکتیک از قوم اوزبیک، ترکمن و تاجیک سربازگیری کردند. در نتیجه این سرباز گیری طالبان ساحه حاکمیت خود را گسترش داده و حضور خود را تقویت نموده است. مثلاً طالبان با سربازگیری از تاجیک های و لایت بدخشان این ولایت را سقوط دادند. باوجودیکه اکثر ساکنان این ولایت را نیز تاجیکان تشکیل میدهند. طالبان بعد از به قدرت رسیدنشان قاری فصیح الدین را (تاجیک بدخشانی) به عنوان رئیس ارتش تعیین کرده است.²⁷

طالبان با گفتار، عملیات، تغییر سیاست قومی و تطبیق قوانین در محل حاکمیت شان حضور خود را در افغانستان ثابت و با گذشت هر روز حوزه حاکمیت خود را گسترش میدادند. در نتیجه زمینه قدرت گیری مجدد خود را در افغانستان مساعد ساختند.

۲۵ زاهد آریا "راهبرد و شیوه های جنگی طالبان چگونه است؟" (Rahburd ve ivahayi Cengi Taliban Çiguna Ast)، هشت صبح، تاریخ دسترسی: ۲۱/۱۱/۲۰۲۱.

۲۶ «گفتگوهای صلح و خطوط قرمز حکومت و طالبان» (Guftuguhayi Sulh ve Khutut-i Qirmizi Hükümet ve Taliban)، افغانستان، تاریخ دسترسی: ۲۱/۱۱/۲۰۲۱، http://dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=۱۳۳۳۹.

۲۷ "سوابق اعضای کابینه موقت طالبان" (Savabik Azai Kabineyi Muakat-i Taliban)، شبکه العالم، <https://۲۴.am/tpWVWMT>، تاریخ دسترسی: ۲۱/۱۱/۲۰۲۱.

حمایت کشورهای منطقه از طالبان تحت عنوان مبارزه با داعش

در سال ۲۰۱۴ دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در خاور میانه ظهور کرد. در محور ایدئولوژی خلافت، داعش سیاست تهاجمی را در پیش گرفت. به عبارت دیگر داعش تمام کشورهای اسلامی را قلمرو اسلام "دارالاسلام" و خلیفه خود را رهبر تمام مسلمین جهان میدانست. داعش هر کشور اسلامی را یک ولایت خود قلمداد و برایش والی خود خوانده تعیین میکرد. در این بخش داعش با استفاده از عنوان تاریخی خراسان؛ یعنی ایران، افغانستان، پاکستان، کشورهای آسیایی میانه و بخش چین را "ولایت خراسان" نام گذاری کرد و شاخه خراسان را در سال ۲۰۱۵ فعال کرد. حافظ سعید رهبر طالبان پاکستانی اولین کسی بود که بیرق داعش را در افغانستان به اهتزاز در آورد و والی شاخه خراسان مقرر گردید.²⁸

با توجه بر قدرت مالی داعش، اعلان فوت رهبر طالبان ملا محمد عمر بعد از ۲ سال پنهان کاری باعث شد تا بعضی از رهبران و قومندانان طالب به شمول عبدالروف خادم به رهبر داعش ابوبکر البغدادی بیعت کند. با این همه رهبر طالبان داعش را برای خود تهدید قلمداد کرده و به داعش بیعت نکردند. در آن زمان جنگجویان طالب و داعش در منطقه دور دست افغانستان فعالیت میکرد. این دو گروه علیه همدیگر تهدید بودند.²⁹

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر روسیه، چین و ایران از جنگ آمریکا و ناتو، جهت سرکوب القاعده و طالبان حمایت کردند. مثلاً روسیه مانع تاسیس پایگاه نظامی آمریکا در قرغزستان و اوزبکستان نگردید. بعد از شکست القاعده و طالبان آمریکا در آن زمان خاک افغانستان را ترک نکرد. تداوم حضور آمریکا در افغانستان باعث نگرانی ایران، روسیه و چین گردید. آمریکا ورود اش به افغانستان را مبارزه با تروریسم و افراط گرائی عنوان کرده بود. اما این حضور نه تنها منجر به محو تروریسم و افراط گرائی نشد، بل منجر به افزایش آن گردید.³⁰ مثلاً در سال ۲۰۰۱ تنها در افغانستان القاعده فعال بود، نظر به اطلاعات نهادهای امنیتی حکومت سابق افغانستان ۲۱ گروه تروریستی در افغانستان فعالیت میکردند.³¹ با حضور نیروهای خارجی فعالیت این همه گروههای تروریستی به شمول شاخه خراسان داعش، مسبب نگرانی بیشتر کشورهای منطقه شده بودند.

افغانستان برای داعش ارزش حیاتی دارد. بخاطرکه داعش با مسلط شدن در افغانستان به راحتی میتواند به کشورهای آسیای میانه، روسیه، چین و ایران نفوذ کند. بعد از سال ۲۰۱۴ اردوی افغانستان با طالبان در گیر جنگ بود. زمانیکه داعش به فعالیت آغاز کرد اردوی افغانستان توانائی جنگ دوجبهه ای را نداشت. بر علاوه این، روسیه، چین و ایران فکر میکرد، کشورهای که در افغانستان حضور نظامی دارند برای بی ثباتی کشورهای منطقه داعش را چاق کرده است. مثلاً ایران و روسیه به کرات کشورهای خارجی را که در افغانستان حضور نظامی داشتند، به حمایت از داعش متهم کرده بودند.³²

فعالیت شاخه خراسان داعش در افغانستان برای تمامیت ارضی و امنیت ملی کشورهای مثل ایران، روسیه، چین و کشورهای آسیای میانه تهدید جدی بودند. کشورهای منطقه به دلیل وابسته بودن دولت افغانستان به آمریکا و ناتو برای تامین امنیت مرزهای خود به حمایت و همکاری طالبان شتافتند.

۲۸ "معرفی داعش خراسان" (Marf-i DEAS Horasan)، ایندپندیت فارسی، am/teA.https://124، (تاریخ دسترسی: ۲۰۲۱، ۱۰، ۲۹).
۲۹ « چرا نیروهای ویژه طالبان با داعش می‌جنگند؟» (Çara Nirohayi Viceyi Taliban Ba DEAS Mecengand)، بی بی سی، <https://www.bbc.com/persian/>
۳۰ zS_afghan_taliban_isis_151222/12/2015/afghanistan، (تاریخ دسترسی: ۲۰۲۱، ۱۰، ۲۵).

30 Mehmet Seyfettin Erol-İrem Bilgetürk, "Mehdilik Anlayışı Kapsamında İran Dış Politikası Üzerine Bir İnceleme, Bölgesel Araştırmalar Dergisi, 4(1), 2020, s.260 2020.

۳۱ "۲۱ گروه تروریستی در افغانستان وجود دارد" (Bistoyek Guruhi Troristi Der Afganistan Vucud Darad)، خبرگزاری انا، AVV/im.https://124، (تاریخ دسترسی: ۲۰۲۱، ۱۰، ۲۹).
۳۲ "روسیه: آمریکا و ناتو در افغانستان با داعش همکاری می‌کنند" (Rusya: Amrika ve NATO Der Afganistan Ba DEAS Hamkari Mekunad)، خبرگزاری تسنیم، [im/https://124.https://124](https://124.https://124)، (تاریخ دسترسی: ۲۰۲۱، ۱۰، ۲۹).

فاکتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان

از دید روسیه، چین و ایران، طالبان هم از لحاظ ایدئولوژی و هم از لحاظ عملکرد با داعش در مغایرت قرار دارد. بر خلاف داعش طالبان میخواهند در جغرافیای بنام افغانستان حکومت دلخواه خود یعنی امارت اسلامی افغانستان را تاسیس کنند و به خاک همسایه ها چشم ندوخته بودند. بر علاوه این اکثر جنگجویان طالبان را افغانان تشکیل میدادند و از لحاظ مذهب، دین را محدود هم تفسیر کنند "حنفی مذهب" هستند.³³ روسیه، چین و ایران با توجه به حضور نیروهای خارجی در افغانستان و بر اساس منطق "از بدتر بد را انتخاب کن" و "دشمن، دشمن من، دوست من است" به جای مداخله مستقیم طالبان را علیه داعش حمایت کردند.

فعالیت داعش در مناطق دوردست افغانستان یک چالش بزرگ فرا راه طالبان بود. اما به دلیل تهدید بودن فعالیت داعش علیه کشورهای منطقه برای طالبان به فرصت تبدیل شده بود. به عبارت دیگر در جنگ علیه داعش منافع کشورهای منطقه با طالبان گره خورده، این کشورها علیه داعش طالبان را حمایت کردند. طالبان با حمایت کشورهای منطقه در جنگ علیه داعش موفقیت و دست آوردهای هم داشتند. حتی آمریکا در شکست داعش در ولایت های شرقی افغانستان به نقش مثبت طالبان اعتراف کرده است.³⁴ به زعم آنها در آن وقت طالب یک گروه تروریستی نه، بل سرکوپ کننده تروریست بودند. مبارزه طالبان علیه داعش و حمایت کشورهای منطقه از آنها، از یک طرف طالبان را در ساحه جنگ قدرت مند ساخته و از طرف دیگر برای آنها مشروعیت بین المللی داده بود.

تغییر دشمن در سیاست خارجی آمریکا و تعقیب "سیاست مماشات" در برابر طالبان

ایالات متحده آمریکا بعد از جنگ دوم جهانی سیاست "انزواگرایی" منیرو و توصیه بنیان گذار آمریکا جورج واشنگتن را کنار گذاشته و به عنوان فاتح جنگ، رهبری غرب را از بریتانیای کبیر بدست آورده است. ایالات متحده آمریکا هژمونی خود را از روی "یک دشمن" پایه گذاری کرده و با گذشت زمان دشمن را تغییر داده است. در این زمینه در جریان جنگ سرد اتحادیه جماهیر شوروی را دشمن تلقی کرده و از روی دشمنی/رقابت با اتحادیه جماهیر شوروی متحدین خود را در کنار خود قرار داده است. بعد از ختم جنگ سرد و فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی آمریکا کوشش کرده است تا دشمن دیگری برای خود پیدا کند. در حوزه روشنفکری هاتینگتون در کتاب برخورد تمدن ها در پهلوی دیگر مدنیت ها اسلام را به عنوان دشمن مدنیت غرب معرفی کرده است. در محور این تیزس، واژه های نظیر "تروریسم دینی-تروریسم اسلامی-تروریسم بین المللی" وارد ادبیات سیاسی غرب شدند و با واقعه ۱۱ سپتامبر تروریسم را "دشمن" اعلان کردند. در محور دکترین بوش "جنگ پیشگیرانه" و مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا به شمول افغانستان و عراق در مناطق مختلف دنیا مداخله کردند و ۲۰ سال در افغانستان نیروهای خود را مستقر نمودند.³⁵

زمانیکه آمریکا مصروف مبارزه با تروریسم و دیگر مسائل بین المللی بود، چین با استفاده از "جهانی شدن اقتصاد" اقتصاد خود را رشد داده است. اقتصاد یکی از پارامترهای اساسی قدرت ملی میباشد. قدرت اقتصادی زمینه ساز قدرت سیاسی و نظامی است. قدرت اقتصادی چین منجر به قدرت نظامی و سیاسی آن شده و این وضعیت باعث نگرانی جدی ایالات متحده آمریکا شده است. از زمان حکومت بارک اوباما چین آهسته آهسته به رقیب اقتصادی آمریکا مبدل شده

۳۳ "داعش در افغانستان چه میکند" (DEAS Der Afganistan Çi Mekunad)، بی بی سی، <https://www.bbc.com/persian/blogs-38718116>، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۰،۲۰۲۱).

۳۴ « زلی خلیل زاد: طالب ها در جنگ ننگرهار علیه داعش نقش داشتند » (Zalmay Halilzad: Taliban Der Ceng Ningarhar Aley-i DEAS)، آژانس خبرگزاری جمهور، <http://www.jomhornews.com/fa/news/122781/>، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۰،۲۰۲۱).

۳۵ "دکترین بوش چیست؟" (Doktrin Bu Çist؟)، مجله ویسنا، <https://124.am/CibkyVQ>، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۰،۲۰۲۱).

فاکتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان

آمریکا گردیده و استراتژی خروج آبرومندانه آمریکا به "خروج ذلیلانه" تبدیل گردید.⁴⁰

آمریکا با امضای موافقت نامه دوحه با طالبان، پایان عمر جمهوریت و حکومت غنی در افغانستان را مهر تایید گذاشت. این موضوع را مسئولان درجه یک نظامی آمریکا، لوید آستین وزیر دفاع، جنرال مارک میلی لوی درستیز، جنرال کنت مکنزی رئیس فرماندهی مرکزی، نیروهای مسلح ایالات متحده در جلسه پرسش و پاسخ کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا بی پرده اظهار داشتند و حتا آن را شکست استراتژیک برای آمریکا خواندند. مارک میلی گفت «شکست استراتژیک» آمریکا در افغانستان نتیجه تصمیم‌هایی است که در طول ۲۰ سال اخیر گرفته شده است. جنرال کنت مکنزی اظهار داشت که «سقوط حکومت افغانستان ریشه در توافق نامه دوحه داشت. امضای توافق نامه دوحه واقعاً تأثیر مخرب بر حکومت افغانستان و نیروهای نظامی‌اش داشت». لوید آستین، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، در این جلسه اظهار کرد که با تحلیل مکنزی موافق است. او افزود که در توافق نامه دوحه تعهد شده بود که حملات هوایی ایالات متحده، علیه طالبان متوقف می‌شود. «بنابراین طالبان قوی‌تر شدند، عملیات تهاجمی خود را علیه نیروهای امنیتی افغانستان شدت بخشیدند و افغان‌ها هفته وار تعداد زیادی را از دست می‌دادند».⁴¹

نتیجه گیری

ایالات متحده آمریکا بعد از ۲۰ سال جنگ با طالبان بنابر دلایل که توضیح داده شد، به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند طالبان را به تمام معنی در افغانستان شکست دهند. از این جهت خروج از افغانستان را به منافع خود ارزیابی کرد و در محور سیاست مداخلات با طالبان ها توافق نامه دوحه را امضاء کردند. در چهارچوب توافق نامه دوحه آمریکا تعهد سپرد در صورت که طالبان به تعهدات خود پایبند باشند، نیروهای شان را از افغانستان خارج می‌کنند. هدف آمریکا از توافق با طالبان ایجاد صلح بین طالبان و حکومت افغانستان و مساعد ساختن شرایط خروج آبرومندانه از افغانستان بود. توافق نامه دوحه از یک طرف برای طالبان مشروعیت بین المللی داد تا رهبران این گروه بتوانند راحت به کشورهای منطقه سفر کنند، از طرف دیگر رها ساختن ۵ هزار زندانی و توقف حملات هوایی علیه مواضع این گروه توسط نیروهای خارجی در محور این توافق، طالبان را در ساحه قدرت مند ساخت. قبل از اینکه توافق صلح بین طرفین افغانی صورت بگیرد، آمریکا تصمیم گرفت تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ تمام نیروهای خود را از افغانستان خارج کند.

طالبان دولت افغانستان را "اداره کابل" مینامیدند و به دلیل دست نشانده خواندن حکومت، قبل از توافق دوحه با این دولت مذاکره نکنند و بعد از توافق دوحه هم طالبان حاضر به مذاکره جدی با حکومت نشدند. از دید طالبان مذاکره یعنی تسلیم دادن قدرت به این گروه به شکل مساملت آمیز بود. زمانیکه آمریکا تصمیم خروج بدون قید و شرط را گرفت، طالبان این تصمیم آمریکا را یک فرصت طلایی ارزیابی کردند و به حملات خود شدت بخشیدند. در نتیجه این حملات در قدم نخست کنترل ولسوالی ها بعدا ولایات را بدست گرفتند. با چشم پوشی آمریکا و فرار رئیس جمهور افغانستان محمد اشرف غنی، طالبان در حضور نیروهای خارجی کابل را تصرف و خود را پیروز جنگ ۲۰ ساله اعلان نمودند.

طالبان به دلیل پیروزی در جنگ علیه آمریکا، ناتو و دولت مورد حمایت آمریکا از طالب دهه نود قدرت مندتر است. از این جهت سیات داخلی و خارجی دولت افغانستان از این بعد در محور اهداف طالبان تعریف خواهد شد. فعلا در داخل افغانستان مثل دهه نود نیروی بازدارنده قوی در برابر طالبان دیده نمی شود.

۴۰ احمدخان دولتیار، "تأثیر ناکامی آمریکا در افغانستان بالای قدرت هژمونیش" (Tasiri Nakami Amrika Der Afganistan Balayi) <https://www.ankasam.org/abdnin-afganistandaki-basarisizliginin-hegemonyasina-> آنکاسام، (Kudrat-i Hajmoniye).

۴۱ محمد اکرام اندیشمند، "فرار و سقوط" (Farar ve Suqut)، هشت صبح، ۱۷ میزان، <https://am.af/escape-and-fall/>، (تاریخ دسترسی: ۲۹، ۱۱، ۲۰۲۱).

(۲۱، ۱۰، ۲۰۲۱).

طالبان از راه غلبه قدرت را بدست آورده و در افغانستان حاکم شده است. در برابر دوام قدرت طالبان چالش های متعددی موجود است و این گروه با حل این معضلات میتواند قدرت خود را تداوم بخشند. منجمله چالش های بزرگ کسب مشروعیت بین المللی قدرت طالبان است. به عبارت دیگر شناسائی حکومت طالبان به عنوان نماینده دولت افغانستان، توسط کشورهای منطقه و جامعه بین المللی است. تا حال هیچ دولت و نهاد بین المللی امارت طالبان را به رسمیت نشناخته است. دولت ها و نهادهای بین المللی برای به رسمیت شناختن امارت طالبانی شرایطی را پیش کش نمودند. تاسیس یک دولت فراگیر و همه شمول، احترام به حقوق بشر و زن، اجازه دادن به کسانی که میخواهند از افغانستان خارج شوند و قطع رابطه و مبارزه با گروه های تروریستی خواسته های جامعه بین المللی و کشورهای منطقه از طالبان میباشد.

دومین چالش در برابر حکومت طالبان مشکلاتی اقتصادی که مردم افغانستان با آن دست و پنجه نرم میکنند. اقتصاد افغانستان تماماً متکی به کمک کشورهای خارجی و نهاد های بین المللی میباشد. با قدرت رسیدن طالبان ایالات متحده آمریکا، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و اکثر کشورهای اروپائی کمک های خود را به افغانستان توقف داده است. همچنین ایالات متحده آمریکا پول های دولت افغانستان را بلاک نموده است. از لحاظ عملی طالبان حکومت افغانستان را تشکیل میدهند و از تامین احتیاجات اساسی مردم مسئول میباشند. با گذشت هر روز مردم افغانستان فقیر شده و طالبان هم برای حل این مشکل کاری کرده نتوانسته است. مشکل اقتصادی افغانستان زمانی حل خواهد شد که طالبان کمک های جامعه جهانی را بدست بیاورند.

یکی از مشکلات فراروی امارت طالبان حضور فعال داعش در افغانستان میباشد. در جریان خروج آمریکا از افغانستان داعش با انجام حملات انتحاری در نزدیکی میدان هوائی کابل به شمول افغان ها و جنگجویان طالب، ۱۳ عسکر آمریکایی را کشتند و ۱۷ عسکر آمریکائی را مجروح ساختند. همچنان داعش حملات را علیه جنگجویان طالبان و شیعه ها به راه انداخته که در نتیجه این حملات صدها انسان کشته شده است. با توجه به شرایط بد اقتصادی مردم، داعش از جهل و فقر مردم استفاده کرده همه روزه سر بازگیری میکند و نیروهای خود را تقویت میبخشد.

مسئله دیگر، برخورد طالبان با دست آوردهای ۲۰ ساله پسین میباشد. نسل جدید افغانستان با نوآوری های جهان آشنایی حاصل کرده و از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نسبی بر خوردار بودند. همچنان موضوع حقوق زنان، جهت دیگری از مسایل امروز افغانستان را شکل میدهد. طالبان در دهه نود با تفسیر محدود از دین؛ حق تعلیم، کار و مالکیت زن ها را به رسمیت نشناخته بودند. در ۲۰ سال اخیر در چوکات سیاست "تبعیض مثبت" زنان حق تعلیم، کار و ملکیت خود را به دست آورده اند. در پهلوی اینها زنان در پست های کلیدی نظیر وزارت، معینیت، ریاست، وکالت، سفارت و غیره استخدام شده و کار کرده است. یکی از شرایط جامعه جهانی برای به رسمیت شناختن حکومت طالبان، احترام به حقوق بشر و جایگاه زنان میباشد. یعنی طالبان باید حق تعلیم، کار و مالکیت زنان را به رسمیت بشناسند.

طالبان با بدست آوردن کابل عفو عمومی اعلان کرده بودند. یعنی تمام کسانی که در رژیم گذشته کار کرده، مورد عفو قرار گرفته اند. اعلان عفو عمومی یک گام مهم است اما جنبه عملی میخواهد. برای تامین صلح نسبی نظارت از تطبیق این فرمان و فراهم کردن زمینه کار برای مدیران و کارمندان دولت گذشته مهم است. به عبارت دیگر طالبان باید تمام مخالفین خود را در آغوش خود گرفته و همه را در حکومت فرصت کاری بدهند. در کنفرانس بن از طالب ها دعوت میشود و طالب ها به عنوان بخش از واقعیت افغانستان پذیرفته میشود، ممکن امروز ما شاهد چنین رویداد های نمی بودیم.

حکومت طالبان شرایطی که جامعه جهانی و کشورهای منطقه برای به رسمیت شناختن شان مطرح کرده اند، قدم های جدی بردارند و کمک های جامعه جهانی به افغانستان تداوم پیدا کند، تامین امنیت و صلح نسبی در افغانستان امکان پذیر میباشد. در غیر آن صورت در پهلوی وقوع فاجعه بشری ناشی از فقر و گرسنگی، احتمال این نیز وجود دارد

فاكتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان

که افغانستان بار دیگر به لانه تروریسم تبدیل گردیده، مورد اشغال و به جنگ داخلی دیگری مواجه شود. فعلا طالبان در افغانستان حاکم است. از این جهت از لحاظ بازیگران داخلی انتخاب به دست طالبان است که افغانستان را به کدام سمت سوق خواهند داد.

احمدخان دولتیار، "تاثیر ناکامی آمریکا در افغانستان بالای قدرت هژمونیش" (Tasiri Nakami Amrika Der Afganistan Balayi Kudrat-i) "Hajmoniye)، آنکاسام، <https://www.ankasam.org/abdnin-afganistandaki-basarisizliginin-hegemonyasina-etkisi>، (تاریخ دسترسی: ۲۹، ۱۱، ۲۰۲۱).

"اختلافات میان غنی و عبدالله؛ دولت وحدت ملی به بن بست رسیده است؟" (Ihtilafat Miyan Gani ve Abdullah; Devlet-i Vahdati) "Milli Ba Bunbast Rasida Ast)؟، بی بی سی، https://www.bbc.com/persian/afghanistan_zs_afghan_nug_150408/04/2015، (تاریخ دسترسی: ۲۹، ۱۱، ۲۰۲۱).

"از اربکی تا پولیس محلی" (Az Arbaki Ta Polis Muhalli)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، <https://www.im/f9UDG>، (تاریخ برداشت: ۲۱، ۱۰، ۲۰۲۱).

"اسناد محرمانه در باره جنگ افغانستان از عدم موفقیت ریس جمهوران آمریکا بحث میکند" (Asnad-i Mahramane Der Barahe) "Ceng Afganistan Az Adami Muaffakiyeti Reis Cumhuriyati Amrika Bahs Mekunad) بی بی سی، <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-050722928>، (تاریخ دسترسی: ۲۱، ۱۰، ۲۰۲۱).

"امریکا در جنگ افغانستان ۶ تریلیون دالر مصرف کرده و ۸۰۰ هزار نفر جان باخته است" (Trilyon 6 Amerika Der Ceng Afganistan) "Hazar Nafar Can Bahta Ast 800 Dolar Masraf Karda ve) رادیو آزادی، <https://da.azadiradio.com/a/html.24942374>، (تاریخ دسترسی: ۲۱، ۱۰، ۲۰۲۱).

"بایدن: هزینه جنگ آمریکا در افغانستان روزانه میلیون دلار بود" (Biden: Hazinayi Cengi Amerika Der Afganistan Ruzane) "Milyon Dolar Bud 300) سرپوش، <https://www.sarpoosh.com/afghanistanjournal/afghanistan-news/afghanistan-dhtml.news140060770>، (تاریخ دسترسی: ۲۹، ۱۰، ۲۰۲۱).

"بحران گرسنگی: شمار بیکاران از ۹ میلیون به ۱۸ میلیون رسیده است" (Milyon Ba 9 Buhrani Gurusnagi: imari Bekaran Az) "Milyon Raside Ast 18) اطلاعات روز، <https://www.etilaatroz.com/hunger-crisis-number-of-unemployed-has-102912/>، (تاریخ دسترسی: ۲۹، ۱۰، ۲۰۲۱).

"بیست دلیل عدم موفقیت آمریکا و طالب ها در افغانستان" (Bist Dalili Adami Muafakiyeti Amerika ve Taliban Der) "Afganistan) مشعل، <https://www.im/SNnuHi>، (تاریخ دسترسی: ۲۱، ۱۰، ۲۰۲۱).

"بیست و یک گروه تروریستی در افغانستان وجود دارد" (Bistoyek Guruhi Troristi Der Afganistan Vucut Darad) "Bistoyek Guruhi Troristi Der Afganistan Vucut Darad) خبرگزاری انا، <https://www.im/877>، (تاریخ دسترسی: ۲۹، ۱۰، ۲۰۲۱).

"ترامپ: نبرد ۱۹ ساله افغانستان احمقانه بوده است" (Trump: Nabard) "Salehi Afganistan Ahmakane Buda Ast 19) آرزو، <https://www.im/YNZQp>، (تاریخ دسترسی: ۲۱، ۱۰، ۲۰۲۱).

فاکتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان

"جنگ اقتصادی آمریکا علیه چین" (Cangi İktisadi Amerika Alehi Çin)، بی بی سی، <https://www.bbc.com/persian/world-۴۹۴۵۵۴۳۱>، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۰،۲۰۲۱).

جمشید ایرانی، "آمریکا و طالبان چگونه و چرا به توافق رسیدند؟" (Amrika ve Taliban Çiguna ve Çara Ba Toafuk Rasidend)، ایندیندنت فارسی، im/HZKI/۱۲۴، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۱،۲۰۲۱).

«چرا نیروهای ویژه طالبان با داعش می‌جنگند؟» (Çara Nirohayi Viceyi Taliban Ba DEAS Mecengand)، بی بی سی، https://www.zs_afghan_taliban_isis_۱۵۱۲۲۲/۱۲/۲۰۱۵/bbc.com/persian/afghanistan، (تاریخ دسترسی: ۲۵،۱۰،۲۰۲۱).

حسیب بهش، «توافقات دوحه؛ هیات دولت به دو اردوگاه تقسیم شده است» (Toafukati Doha; Heyeti Devlet Be Du Urduga)، هشتم صبح، <https://am.af/doha-agreements-the-government-negotiation-team-is-divided-into-two-camps>، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۱،۲۰۲۱).

"داعش در افغانستان چه میکند" (DEAS Der Afganistan Çi Mekunad)، بی بی سی، <https://www.bbc.com/persian/blogs-۴۸۷۱۸۱۱۶>، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۰،۲۰۲۱).

"دکترین بوش چیست؟" (Doktrin Bu Çist؟)، مجله ویسنا، im/CibkyVQ/۱۲۴، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۰،۲۰۲۱).

«رقابت استراتژیک آمریکا و چین؛ جنگ سرد جدید در راه است؟» (Rakabeti stratejiki Amreka ve Çin; Ceng Sard Cedid Der Rah)، هشتم صبح، <https://am.af/%D۹%on-the-way>، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۱،۲۰۲۱).

رنگین دادفر سپنتا، سیاست در افغانستان؛ روایتی از درون (Siyaset Der Afganistan; Ruvayet-i Az Darun)، انتشارات عازم، کابل ۲۰۱۷، صفحه ۵۳۰،۵۵۰.

"روسیه: آمریکا و ناتو در افغانستان با داعش همکاری می‌کنند" (Rusya: Amrika ve NATO Der Afganistan Ba DEA Hamkari)، خبرگزاری تسنیم، im/Ug۳XOP/۱۲۴، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۰،۲۰۲۱).

زاهد آریا "راهبرد و شیوه‌های جنگی طالبان چگونه است؟" (Rahburd ve ivahayi Cengi Taliban Çiguna Ast)، هشتم صبح، am.af/what-is-the-talibans-strategy-and-methods-of-warfare/، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۱،۲۰۲۱).

«زلی خلیل زاد: طالبان در جنگ ننگرها را علیه داعش نقش داشتند» (Zalmay Halilzad: Taliban Der Ceng Ningharhar Aley-i DEAS Nak Datan)، آژانس خبرگزاری جمهور، <http://www.jomhornews.com/fa/news/۱۲۳۷۸۱>، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۰،۲۰۲۱).

"ساختار اصلی حکومت وحدت ملی چگونه خواهد بود" (Sahtar-i Asli Hukumat-i Vahdati Milli Çikuna Khahad Bud)، DW، im/CLJ/۱۲۴، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۱،۲۰۲۱).

«سوابق اعضای کابینه موقت طالبان» (Savabik Azai Kabineyi Muakat-i Taliban)، شبکه العالم، im/tpWVMfT/۱۲۴، (تاریخ دسترسی: ۲۹،۱۱،۲۰۲۱).

- «عامل قوی شدن دوباره طالب ها در افغانستان چیست؟» (Amil Kavi udan Dubarahi Taliban Der Afganistan Çist)، مشرق،
survey-most-of-the-land-is-under-taliban-control-but-most-people-live-in-12/02/2021/https://pajhwok.com/fa
/government-controlled-areas، (تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱).
- «عبدالله در دور دوم انتخابات شرکت نمیکند؛ برگزاری دور دوم یا حکومت موقت؟» (Abdullah Der Davr-i Duvum ntihabat irkat) im/dDKHSOJ.Namikunad; Barguzari Der Duvum ya Hukumati Muakkat، DW، https://124
(تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱).
- «عبدالله و غنی سرانجام بر سر تشکیل دولت در افغانستان به توافق رسیدند» (Abdullah ve Gani Sarancam Ber Sar Te kil-i Devlet) im/Dno.Der Afganistan Ba Toafuk Rasiden، AA، https://124
(تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۱،۲۰۲۱).
- «غنی: ۴۵ هزار نیروهای افغان در ۴ سال گذشته کشته شده است» (Gani: ۴۵ Sal Guzata Kuta Hazar Nirohayi Afganistan Der) ud Ast، بی بی سی،
۴۷۰۰۹۲۴۰-https://www.bbc.com/persian/afghanistan، (تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱).
- فضل احمد بوریگیت، «۲۰۱۴ Afganistan'da» (Beklenirken: Taliban Örgütü ve Yeni Bir Siyasal Sürece Dogru Yeni Gruplasmalar) مرکز مطالعات خاورمیانه، شماره
پنجاه و دو، جلد پنجم، ص. ۹۵-۱۰۳.
- «گفتگوهای صلح و خطوط قرمز حکومت و طالبان» (Guftuguhay Sulh ve Khutut-i Qırmızı Hükümet ve Taliban)، افغانستان،
http://dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=132369، (تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۱،۲۰۲۱).
- گوتریس: «طالبان با استفاده از پول قاچاق مواد مخدر به جنگ خود ادامه میدهد» (Taliban (Ba Istifade Az Pul Mavadi Muhadir Ba) Cang Hud dame Medihad، رادیو آزادی،
۳۰۲۸۵۹۹۷/https://da.azadiradio.com/a، (تاریخ دسترسی: ۲۲،۱۰،۲۰۲۱).
- محمد اکرام اندیشمند، «فرار و سقوط» (Farar ve Suqut)، هشت صبح، ۱۷ میزان، //am.af/escape-and-fall/https://، (تاریخ دسترسی:
۲۱،۱۰،۲۰۲۱).
- محمد اکرام اندیشمند، آمریکا در افغانستان (Amrika Der Afganistan)، انتشارات میوند، کابل ۲۰۰۳.
- «معرفی داعش خراسان» (Marf-i DEAS Horasan)، ایندپندنیت فارسی، //124/https://im/T4A، (تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۰،۲۰۲۱).
- نوذر شفیعی، «تبین عوامل موثر بر اتخاذ استراتژی دولت ترامپ نسبت به افغانستان» (Tebeyin Avamili Muasir Ber Ittikhazi Istirateji) Devlet-i Trump Nisbat Ba (Afganistan)، فصلنامه پژوهشهای روابط بین الملل، شماره بیست و چهارم، ۲۰۱۶، ص. ۱۳۲-۱۰۹.
- مهراب الدین مشید، «مسئولیت گریزی های رئیس جمهور در جایگاه بابای ملت» (Masoliyet Grizi HayiReyis Cumhuriyet Der Caygahi) Babayi Millet، http://www.ariaye.com/dariA
(تاریخ دسترسی: ۲۱،۱۱،۲۰۲۱).
- EROL, Mehmet Seyfettin-İrem Bilgetürk, "Mehdilik Anlayışı Kapsamında İran Dış Politikası Üzerine Bir İnceleme, *Bölgesel Araştırmalar Dergisi*, s. 240-280, 4(1), 2020s.

فاكتورهای به قدرت رسیدن مجدد طالبان و آینده افغانستان

EROL-Mehmet Seyfettin-Oktay Bingöl, "Afganistan'da Geçis Safhası ve 2014 Sonrası Öngörüler", *Gazi Akademik Bakış*, 5(10), s. 173-187, 2012,

STRUCTURED ABSTRACT

In 1992, Mujahideen came to power in Afghanistan. However, instead of keeping the order in the country, Mujahideen could not share the power among themselves and dragged Afghanistan into civil war. The Afghan people who were tired of war and instability were searching for “a savior” at that time. Just at this time, the Taliban emerged with the claim of ending the civil war by collecting weapons and restoring order in Afghanistan, and in a short time captured Kabul and established the Islamic Emirate of Afghanistan (1994-1996).

The Taliban has not been recognized by the international community, as it suspends the political, social and economic rights of the people by narrowly interpreting religion along with hosting radical groups. After the attack happened in Sept. 11, the Taliban protected its ally, Al-Qaeda, and did not hand over the leader of al-Qaeda, Osama Bin Laden, to the United States. The USA launched the “Operation Enduring Freedom” against Al-Qaeda and against the Taliban as part of “self-defense”, and as a result of the operation, the Taliban regime was overthrown and a new government supported by the USA and the international community was established in its place. Even though the Taliban regime had fallen down, they continued the war with different methods and at this point, it defeated the Afghan government and dominated Afghanistan again, despite the fact that the US troops were not in Kabul. There are many reasons why Taliban has been the dominative power again. To give some example; The USA’s failure to allow the establishment of a strong and morale Afghan army, the economic cost and human loss of the war, the USA’s failure to the fight against the Taliban’s financial resources adequately and the mistakes it made during the war, the corruption and ethnic discrimination of the Afghan government, Afghanistan’s political failure to establish a governmental system according to their social and social structures, the establishment of illegal governments by fraudulent

elections, the Taliban's war tactics, the support provided by global and regional powers to the Taliban in the war against DAESH, and the appeasement policy pursued against the Taliban with the change of the other one in the US foreign policy are the important factors that cause the Taliban to dominate again.

The most important one of these factors is the "appeasement policy" of the USA. When the USA realized that it would be incapable of destroying the Taliban, it developed a policy of appeasement and tried to make concessions to the Taliban within the framework of this policy. The reason why the USA made concessions to the Taliban is in order to make peace between them and Afghan government and to withdraw from Afghanistan in an honorable manner. Donald Trump, who was elected as the President of the USA in 2016, wanted to meet with the Taliban directly, saying that "the USA should withdraw its troops from Afghanistan or it will fall into the position of the USSR". After nearly 2 years of talks, the USA signed the "Doha Agreement" with the Taliban on February 29, 2020. In the agreement, the United States promised to withdraw from Afghanistan within 14 months when the specified conditions were fulfilled, and the Taliban, on the other hand, promised that it would not allow the territory of Afghanistan to be used against the United States and its allies by cutting its ties with other terrorist organizations, especially with its ally, Al-Qaeda.

The Doha Agreement provided the Taliban with international legitimacy, and the US ceased air operations with the release of 5000 Taliban fighters within the framework of the treaty, which strengthened the Taliban in the field. Joe Biden, who was elected President of the USA in 2021, announced that the USA will withdraw all its soldiers until September 11, 2021, before peace is established between the Afghan government and the Taliban. The Taliban took this decision of the USA as an opportunity presented with a golden platter and accelerated their attacks. As a result of the attacks, it started to take control of the

Districts and then the Provinces. The USA did not interfere with the rapid advance of the Taliban and when the former Afghan President Ashraf Ghani escaped, the Taliban captured Kabul (August 15) and dominated Afghanistan again. The today's Taliban are in a much stronger position than the Taliban in the 1990s, as they again dominate Afghanistan, by defeating the United States, NATO, and the government they support. This is because currently, there has been no force found in Afghanistan to balance the Taliban. Therefore, in the next period, both domestic and foreign policies of Afghanistan will be shaped in line with the directives and targets of the Taliban. The Taliban have seized power by force, so there are some problems in the way of maintaining their power. In this context, the fact that the Taliban government is not recognized by any state and the international community, the people of Afghanistan are faced with a humanitarian crisis due to the cessation of foreign aid to Afghanistan, and the increase in the activities of the DAESH-Khorasan branch in Afghanistan are important problems.

The international community and global and regional states impose certain conditions in return for the Taliban government's recognition. Along with this context, they want the Taliban to distance itself from terrorist organizations by allowing the establishment of a pluralistic government that respects human/women's rights. The Taliban practically constitute the government of Afghanistan and are responsible for the situation and developments in Afghanistan. Relative peace and security can be achieved in Afghanistan if the Taliban government provides the support of the international community to Afghanistan by taking serious steps with the Afghan people in line with the wishes of the international community. Otherwise, there is a high probability that the people of Afghanistan will face a humanitarian crisis and that Afghanistan will return to the home of terrorism, and will be exposed to civil war and new occupations. The direction in which Afghanistan will move depends entirely on the Taliban in terms of internal actors.